

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه نوآموزان پیش دبستانی

سازمان مدارس راه ایمان خوزستان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنیتر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

شناخت احساسات (خشم)

یکی از احساسات مهم و تاثیرگذار در وجود انسان خشم است. خشم می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد. این مساله در افراد مختلف متفاوت است. نکته‌ی مشترک همه‌ی انسان‌ها در این است که با شناخت درست حس خشم، می‌توانند در مدیریت کردن آن بهتر اقدام کنند.

نکته: در مورد کودکان پیش دبستانی باید توجه داشته باشید که بیشتر آن‌ها تمام احساسات منفی (غم، خشم و ترس) را به یک شکل می‌بینند. بنابراین دقت کنید که خشم را به صورت اختصاصی به بچه‌ها معرفی کنید. در این درس به تفاوت غم و خشم می‌پردازیم. اما لازم نیست به ترس پردازیم.

ابتدا یک تصویر از کودکی خشمگین به بچه‌ها نشان بدهید. از آن‌ها بخواهید در مورد حس این تصویر صحبت کنند و بگویند به نظرشان چه اتفاقاتی او را خشمگین کرده است. (طبیعتاً بچه‌ها مواردی را بیان می‌کنند که خودشان را عصبانی می‌کند) سپس از آن‌ها بپرسید چه چیزهایی خودشان را خشمگین می‌کند؟ در ادامه به آن‌ها بگویید خشم را روی کاغذ نقاشی کنند. به نظر آن‌ها خشم شبیه به چه حیوانی است؟ اگر خشم رنگ بود، چه رنگی بود؟ به نظر آن‌ها اگر خشم خوراکی بود، چه مزه‌ای داشت؟

یک قصه‌ی تصویری با خودتان به کلاس بیاورید و آن را به بچه‌ها نشان بدهید. از آن‌ها بخواهید هر جای قصه که احساس کردند به حس خشم نزدیک شدند، با مشت روی میز بزنند. این تمرین به بچه‌ها کمک می‌کند تا با خشم بهتر آشنا شوند و آن را بپذیرند. کودک باید یاد بگیرد ابتدا احساسات منفی خودش را بشناسد و کامل با آن آشنا شود. این باعث می‌شود بهتر بتواند این حس را مدیریت کند.

تمرین:

در این درس، بین هر دو تمرین از بچه‌ها بخواهید سه بار نفس عمیق بکشند زیرا ممکن است کودکان با بازی خشم دچار استرس بشوند. همچنین به آن‌ها یادآوری کنید که این کار (نفس عمیق کشیدن) یکی از راه‌های مدیریت خشم است.

۱/ موسیقی پخش کنید و از بچه‌ها بخواهید شکلک در بیاورند. به آن‌ها بگویید تا موسیقی قطع شد بی‌حرکت بمانند و مانند مجسمه شوند.

۲/ در ادامه‌ی تمرین قبل، چند نفر از بچه‌ها را انتخاب کرده، از آن‌ها بخواهید نقش یک شخص خشمگین را بازی کنند. در میان اجرا کردن نقش از آن‌ها بخواهید تبدیل به مجسمه شوند و سه بار نفس عمیق بکشند.

این تمرین به ساده‌ترین شکل ممکن می‌تواند کودک را با مدیریت حس خشم آشنا کند.

۳/ با استفاده از یک حباب ساز، این تمرین را انجام بدهید. بچه‌ها را در تیم‌های دو یا سه نفره جمع کنید و با حباب ساز حباب درست کنید. ابتدا از آن‌ها بخواهید حباب‌ها را بترکانند.

پس از این، این بازی را بار دیگر انجام بدهید. این بار از آن‌ها بخواهید تلاش کنند که به حباب‌ها نخورند.

در انتهای این تمرین به آن‌ها بگویید که مدیریت خشم شبیه به این است که تلاش کنید به حباب‌ها نخورید. در واقع حباب‌ها می‌توانند نمادی از خشم باشند.

۴/ به بچه‌ها بگویید یک قصه درمورد خشم، نقاشی کنند. سپس از آن‌ها بخواهید که آن را برای هم تعریف کنند.

۵/ دانش‌آموزان را پای تخته بیاورید. برای خشم، غم و شادی کدهایی مشخص کنید. (برای مثال: یک برای خشم و دو برای غم و سه برای شادی، یا فلفل برای خشم و نمک برای غم و شکر برای شادی) سپس با ذکر هر کد، از آن‌ها بخواهید حس مرتبط را بازی کنند. (اخم کنند، بخندند یا گریه کنند).

این تمرین به بچه‌ها کمک می‌کند تا تفاوت حس‌ها را به صورت عملی و کاربردی یاد بگیرند.

خشم در قصه

در درس قبل، حس خشم را به بچه‌ها شناسانیدیم. همچنین در مورد راه‌های مقابله با آن نیز تمرین‌هایی انجام دادیم. در این جلسه می‌خواهیم به نقش آن در قصه و داستان پردازی بپردازیم.

یک قصه به کلاس بیاورید و آن را برای بچه‌ها تعریف کنید. از آن‌ها بخواهید هر جا قصه به خشم اشاره کرد، روی میز بزنند، هر موقع فضای داستان غمناک شد، به گریه کردن وانمود کنند و لحظه‌ای که خوشحال کننده بود، بخندند. این تمرین به دانش‌آموز کمک می‌کند تا نشانه‌های خشم، شادی و غم را در کنار هم بشناسد.

برای فعالیت فوق، می‌توانید از قصه‌های موجود در کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان استفاده نمایید. همچنین از این قصه نیز می‌توانید استفاده کنید:

«قورقوری، بچه قورباغه‌ای بود که با پدر و مادرش در برکه زندگی می‌کرد. بهترین دوست او یک جوجه اردک به نام جوجو بود. آن‌ها هر روز صبح همدیگر را می‌دیدند و باهم بازی می‌کردند. دور برکه می‌دویدند، از شاخه‌ی درخت بالا می‌رفتند و وسط برکه شنا می‌کردند. یک روز جوجو موقع بازی پایش به سنگی گیر کرد و سنگ به سمت قورقوری پرت شد. سنگ به پای قورقوری خورد و دردش گرفت. جوجو ناراحت شد. سریع جلو رفت تا عذرخواهی کند. اما قورقوری سر او داد زد. جوجو خواست حرف بزند، اما قورقوری اجازه نداد او چیزی بگوید. جوجو ناراحت شد و به خانه رفت. کمی که گذشت و درد پای قورقوری آرام گرفت تازه متوجه شد چه برخورد بدی با دوستش انجام داده است. به خانه‌ی جوجو رفت. جوجو از دستش ناراحت بود نمی‌خواست با او صحبت کند. اما قورقوری از او عذرخواهی کرد و برایش توضیح داد که آن لحظه عصبانی بوده است. جوجو او را بخشید. سپس باهم کنار برکه رفتند و بازهم مثل روزهای قبل به بازی و شادی پرداختند.»

تمرین:

۱/ سه صورتک درست کنید که یکی از آن‌ها شاد، یکی دیگر غمگین و دیگری خشمگین باشد. پس از آن تصویر چند حیوان را روی تخته نقاشی کنید. سپس از بچه‌ها بخواهید پای تخته بیایند و برای هر یک از این شخصیت‌ها، با صورتک‌های مختلف قصه بسازند. (برای مثال: خرگوش، عقاب، گربه، زنبور، روباه و ...)

۲/ از بچه‌ها بخواهید موقعیت‌های نمایشی زیر را بازی کرده، سعی کنند خشم خود را مدیریت کنند:

- کودکی که دوستش، توپ او را محکم شوت کرده و توپ سوراخ شده است.
- کودکی که خواهر کوچکش عروسک او را در دیگ غذا انداخته است.
- کودکی که به دوستش کتاب امانت داده، اما او از آن مراقبت نکرده و کتاب پاره شده است.
- کودکی که حواسش پرت شده، و گربه شیرینی مورد علاقه‌اش را خورده است.
- کودکی که پدر یا مادر، اسباب بازی مورد علاقه‌اش را برایش نخریده اند.

۳/ چند شخصیت حیوانی نام ببرید و از بچه‌ها بخواهید یکی از آن‌ها را انتخاب کرده، و روی برگه نقاشی کند. (برای مثال: آقا سنجابه، ماهی کوچولو، خانم لاک پشته، جوجه دارکوب، آقای خرمگس، خانم کفشدوزک و ...)

سپس از آن‌ها بخواهید برایش داستانی طراحی کنند که در آن، شخصیت‌شان از چیزی عصبانی شود.

۴/ در ادامه‌ی تمرین بالا، به بچه‌ها بگویید چند راهکار به شخصیت‌شان پیشنهاد دهند تا عصبانیتش را مدیریت کند.